

تئوری ادارهٔ جامعه

□ نوشته: سید محمد اعرابی
عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

مرحله ملاحظه نمود که در ذیل به تشریح آنها می پردازیم:

۱ - تعیین سیاست

در مرحله «تعیین سیاست» تعلقات و گرایشهای جامعه در سه بعد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی مورد نظر قرار می گیرد. نیل به هدف نهایی مستلزم سیاستهایی است که بتواند ضمن دستیابی به اهداف نسبی، نیل به هدف غایی را میسر سازد. این سیاستها، ضمن اینکه هماهنگی سیاستهای کوتاه مدت را با اهداف نسبی به عهده دارد براساس سیاست اصولی و درازمدت تنظیم می شود و مسیر حرکت در جهت هدف نهایی را در یک جریان تبدیل وضعیت مشخص می کند. البته همانطور که سیاستهای درازمدت عامل هماهنگی سیاست کوتاه مدت و مرحله ای است، خود نیز حول محور واحدهای (تقوی، هوی) با منشا و مقصود حرکت، هماهنگ می شود. بنابراین در اداره جامعه «تعیین سیاستها» به عنوان اولین و اصلی ترین وظیفه ولی به شمار می رود که در طی آن سیاستها و جهت گیریهای کلی اداره جامعه (که متناظر تعلقات در انسان است) تعیین و ابلاغ می شود.

۲ - تنظیم امور

در مرحله «تنظیم امور»، ابتدا اطلاعات متناسب با

جامعه و چگونگی ادارهٔ آن از مفاهیم آشنا و مسائل عمده مدیریت است. از آنجا که جامعه جایگاه حرکت انسان است لذا اداره جامعه به مفهوم ایجاد جایگاه مناسب برای حرکت و رشد انسان، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و از اینرو این مفاهیم همواره از ابعاد مختلف، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است.

مقاله حاضر از بعد فرآیندی به مفاهیم مذکور پرداخته و ضمن استفاده از مباحث انسان شناسی کلی ترین وظایف ولی (مدیر) را دسته بندی و در ادامه، نظامهای گوناگون جامعه را معرفی و سرانجام ضمن پیوند این دو مفهوم و برقراری ارتباط بین آنها بحث را جمع بندی کرده است.

وظایف ولی (مدیر)

«ولی» متکفل رشد جامعه است و دامنهٔ اختیار جامعه و اعضای آن را در نزدیکی به هدف رشد، توسعه داده و در جهت مخالف هدف مذکور، محدود می نماید تا جایگاه مناسبی برای رشد جامعه فراهم شود. تحقق رشد، مستلزم ایجاد هماهنگی و انسجام بین فعالیتهای جامعه است. به این دلیل ولی برای سرپرستی رشد، فعالیتهای چندی انجام می دهد؛ فعالیتها و وظایف ولی را (اعم از اینکه منظور از ولی یک نفر باشد یا یک نظام) با استفاده از مباحث انسان شناسی می توان در سه حوزه و

نظامهای جامعه

موضوعات مهمی از قبیل اختیار و جهت داری حرکت که در مورد «انسان» مطرح است، در مورد «جامعه» نیز صادق می باشد، انسان و جامعه همانند دو روی یک سکه اند. به این جهت به همین حد بسنده می کنیم که جامعه نیز مانند انسان موجودی حقیقی، مختار و دارای سرنوشت است و لهذا حرکت آن نیز بدون فرض جهت، امکان پذیر نیست.

همانطور که در مورد «انسان» هماهنگی و انسجام درونی و برونی سه نظام «تعلقات، ادراکات و رفتار» و زیر مجموعه هر کدام، لازمه رشد و نیل به مقصود است در «جامعه» نیز، هماهنگی و انسجام درونی و برونی این سه نظام یعنی «نظام تعلقات جامعه»، «نظام ادراکات جامعه» و «نظام رفتار جامعه» و زیر مجموعه آنها موجب رشد و نیل به مقصد است. در واقع جامعه یک کل منسجم و وحدت ترکیب نظامهای سه گانه فوق است.

به دیگر بیان، منظور این نیست که این سه نظام به طور جدا شکل گرفته و از جمع جبری آنها مسیر رشد جامعه ایجاد می شود، بلکه همه آنها حول یک محور (طلب شامل جامعه) شکل گرفته و با هم آمیخته اند.

پذیرش عمومی جامعه به هر یک از دو جهت اصلی تقوی یا هوی - به عنوان «طلب شامل» - متمایل شود، موجب حاکمیت ولایت خاصی در آن جهت می شود و در واقع انتخاب طلب شامل موجب پذیرش و تبعیت از ولی و سرپرستی می شود که جامعه را در راستای جهت خاصی هدایت و رهبری می نماید. همانگونه که ذکر گردید جامعه دارای سه نظام است:

۱ - نظام تعلقات.

۲ - نظام ادراکات.

۳ - نظام رفتار.

نظامهای جامعه با یکدیگر مرتبطند به طوریکه نظام تعلقات حاکم بر نظام ادراکات بوده و نظام ادراکات حاکم بر نظام رفتار است. شمای این روابط را می توان در اشکال ذیل نشان داد.

سیاستهای تعیین شده گردآوری و محاسبات نظری و تنظیم روابط بین اجزا و عناصر آن انجام شده و سپس پیش بینهای لازم در سه بعد، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برای به اجرا در آوردن سیاستهای تعیین شده صورت می گیرد. تنظیم نهائی هرگونه برنامه ای موقوف به شناخت وضعیت موجود، توصیف وضعیت مناسب و طراحی کیفیت انتقال است و این امور با بهره گیری از دسته بندی و تعریف شاخص انجام می گیرد. بنابراین تنظیم امور، واسطه تعیین سیاستها و اجرای عملیات است و در واقع به منزله ادراکات در انسان است که واسطه بین تعلقات و رفتار می باشد و لذا کلیه فعالیتهای مربوط به تنظیم و طراحی از قبیل تنظیم برنامه، طراحی سازمان و... در این حوزه انجام می شود. و بدین ترتیب زمینه جریان و تحقق عینی سیاستها در خارج فراهم می گردد.

۳ - اجرای عملیات

در مرحله اجرای عملیات با توجه به ترتیبات و تحقیقات انجام شده در حوزه تنظیم امور و با به کارگیری کلیه مقدمات اجتماعی (سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) سیاستهای تعیین شده که در قالب برنامه، تنظیم شده اند در عینیت پیاده می شود.

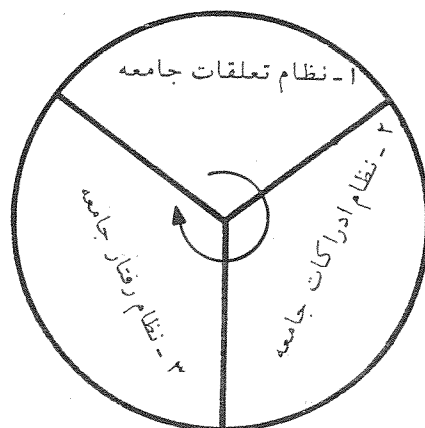
شمای مطالبی که در مورد فعالیتهای ولی ذکر شد در جدول ذیل نشان داده شده است:

ابعاد	سیاسی	فرهنگی	اقتصادی
حوزه ها و وظایف ولی			
تعیین سیاست	۱/۱	۱/۲	۱/۳
تنظیم امور	۲/۱	۲/۲	۲/۳
اجرای عملیات	۳/۱	۳/۲	۳/۳

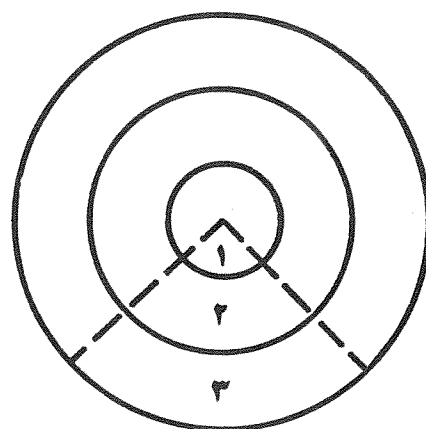
جدول الف: وظایف و فعالیتهای اصلی ولی و ابعاد آن

می‌تواند به نوع خاصی از امکانات و مقدرات (امور عینی) در حوزه نظام رفتار، تعلق خاطر پیدا کند.

بنابراین همه طلبهای جامعه که دارای سه بعد قلبی، عقلی، عینی هستند حول یک محور که تقوی (یا هوی) است شکل می‌گیرد که به آن «نظام تعلقات جامعه» اطلاق می‌کنیم. تمامی اجزای این نظام هماهنگ با «طلب شامل جامعه» می‌باشد و به عنوان یک کل واحد بشمار می‌آید. «نظام تعلقات جامعه» که حول یک محور و در یک جهت خاص شکل گرفته، به هر اندازه منسجم‌تر و دارای هماهنگی بیشتر شود می‌تواند به عنوان نیروی محرکه قوی، به حرکات فکری و عینی (نظام ادراکات جامعه و نظام رفتار جامعه) جهت، وحدت و انسجام بیشتری داده و جامعه را در مسیر رشد قرار دهد. به همین دلیل، نظام تعلقات را به این خاطر که در افکار و اعمال جامعه نقش اصلی را برعهده دارد «نظام سیاست» می‌نامیم.



نمودار شماره ۱: نظامات جامعه.



نمودار شماره ۲: نظامات جامعه.

۲ - نظام ادراکات جامعه (فرهنگ)

پس از اینکه «طلب شامل جامعه» به جهت خاصی تعلق گرفت و تعلقات فرعی نیز حول آن محور، جایگاه ویژه خود را یافت و «نظام تعلقات جامعه» شکل گرفت، اطلاعات مورد نیاز برای تحقق طلب جامعه جمع‌آوری شده و کار محاسبه و سنجش و تجزیه و تحلیل اطلاعات آغاز می‌شود.

روشن است که گرچه در «نظام ادراکات» جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، متناسب با سه حوزه (تعلقات، ادراکات و رفتار) است، لیکن خود نظام ادراکات، مقوله‌ای ذهنی است. در این نظام، اطلاعات حاصله با توجه به هماهنگی آنها با طلب شامل، حول آن شکل گرفته و در ارتباطی تنگاتنگ و منسجم با هم قرار دارند. بدین ترتیب «نظام ادراکات جامعه» شکل می‌گیرد.

ادراکات جامعه به دنبال گزینش و پذیرش مطالبی می‌رود که متناسب با انگیزه اصلی (طلب شامل) بوده و در تحقق آن موثر است. از آنجائیکه این نظام در راستای نظام تعلق و به صورتی هماهنگ و منسجم با آن و «حول

مروری بر نظامهای جامعه

۱ - نظام تعلقات جامعه (سیاست)

تعلق در واقع همان کشش و علاقه‌ای است که جامعه نسبت به امور مختلف پیدا می‌کند. گرچه می‌توان به امور قلبی، عقلی و عینی کشش پیدا کرد، ولی توجه به این نکته ضروری است که در هر حال تعلق یک امر قلبی است. مثلاً جامعه می‌تواند نسبت به معنویات و تهذیب نفوس (امور قلبی) تعلق یابد؛ و نیز به فلسفه و منطق (امور عقلی) مناسب با آن متمایل شود؛ و همچنین

طلب شامل» شکل گرفته و در تنظیم کیفیت اعمال و رفتار جامعه اثر عمده‌ای دارد، می‌توان به عنوان «نظام فرهنگ» نیز آنرا نام نهاد.

اینصورت بایستی «اداره امور جامعه» از خرد تا کلان و در تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نیز «روش تنظیم امور» آن جامعه هماهنگ و همسو با «طلب شامل» باشد.

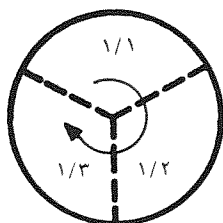
۳ - نظام رفتار جامعه (اقتصاد)

همانگونه که ذکر گردید، جهت کلی و انگیزه اصلی و اولیه جامعه (تقوی یا هوی) به عنوان «طلب شامل جامعه»، موجب انجام گرایش‌ها و تعلقات جامعه (سیاست) حول این محور شده و ادراکات جامعه (فرهنگ) نیز اطلاعات مناسب با نظام تعلقات را در سه بعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمع‌آوری نموده و کارهای محاسباتی و نظری را در جهت مورد نظر انجام می‌دهد تا نظامی متناسب و منسجم با نظام تعلقات جامعه (سیاست) تحت عنوان نظام ادراکات (فرهنگ) حاصل شود. به دنبال شکل گرفتن نظام ادراکات جامعه و انجام فعالیتهای محاسباتی و نظری، کلیه افعال و رفتار جامعه (اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی) در جهت نیل به مطلوب و «تجلی آثار طلب شامل در خارج» به کار می‌افتد. رفتار جمعی در ابعاد و مراتب متفاوت و گوناگون اما در راستای یک جهت خاص که طلب شامل بدان تعلق گرفته فعال می‌شود تا در نتیجه این فعالیتهای آثار مطلوب و مورد نظر حاصل شود.

بالعکس چنانچه «طلب شامل» جامعه هوی (حب دنیا) باشد مسلماً در جهان خارج نیز، آثار رفتار و اعمال جامعه کاملاً متأثر از آن بوده و از مایحتاج ضروری گرفته تا ابزارهای رفع نیاز اجتماعی و تمدن و تکنولوژی و... و در یک عبارت کلیه نظامات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی به صورت یک کل منسجم و وحدت ترکیبی، متناسب با طلب شامل بوده و کلیه مظاهر آن موجب تقویت هوی و شهوات خواهد بود.

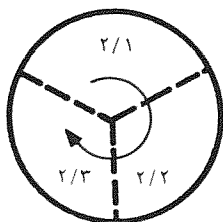
آنچه تا به حال در باب «نظامهای جامعه» گفته شد در نمودار شماره (۳) نشان داده شده است:

۱ - نظام تعلقات جامعه (نظام سیاست)



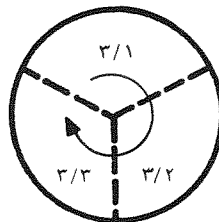
- ۱/۱ - تعلقات سیاسی
- ۱/۲ - تعلقات فرهنگی
- ۱/۳ - تعلقات اقتصادی

۲ - نظام ادراکات جامعه (نظام فرهنگ)



- ۲/۱ - ادراکات سیاسی
- ۲/۲ - ادراکات فرهنگی
- ۲/۳ - ادراکات اقتصادی

منظور از فعالیتهای اجتماعی، وحدت ترکیبی افعال افراد جامعه در عینیت و آثار متناسب با فرهنگ جامعه بوده که خود هماهنگ و هم جهت با سیاست جامعه است. به عبارت دیگر، در واقع «آثار»، حاصل برخورد انسان و جامعه با عالم طبیعت است که از سیاست و فرهنگ و اقتصاد جامعه متأثر می‌شود و طبیعی است که با فرض هماهنگی و انسجام اعمال و رفتار جامعه حول محور «طلب شامل» آثار حاصله از افعال جامعه نیز به صورت تبلور و تجلی عینی جهت اصلی «تقوی یا هوی» می‌شود. چنانچه «طلب شامل» جامعه‌ای تقوی باشد، فعالیتهای امور عینی آن جامعه متناسب و هماهنگ با جهت و انگیزه اصلی جامعه به کار افتاده و نتیجه نظام آثار چنین جامعه‌ای در تمامی ابعاد، تجلیگاه و مظهر ارزشهای والای الهی و تقرب... خواهد بود و طبیعی است که در



۳/۱ - رفتارهای سیاسی

۳/۲ - رفتارهای فرهنگی

۳/۳ - رفتارهای اقتصادی

نمودار شماره ۳: «نظامهای جامعه» و ابعاد سه گانه هر کدام.

جدول و نمودار (ب) نظامهای سه گانه جامعه و ابعاد سه گانه هر کدام که در آن نظامات به صورت یک کل منسجم و هماهنگ که حول محور «طلب شامل» شکل گرفته نشان می دهد:

ابعاد	سیاسی	فرهنگی	اقتصادی
نظامهای جامعه	۱/۱	۱/۲	۱/۳
تعلقات (سیاست)	۲/۱	۲/۲	۲/۳
ادراکات (فرهنگ)	۳/۱	۳/۲	۳/۳
رفتار (اقتصاد)			

جدول (ب): نظامهای سه گانه جامعه و ابعاد سه گانه هر کدام.

خلاصه و جمع بندی:

جامعه وجودی حقیقی و دارای حیات و سرنوشت است. فرد و جامعه هر دو دارای اختیار هستند. جامعه «وحدت ترکیبی اختیار افراد» است و در آن نوعی «کثرت در عین وحدت و وحدت در عین کثرت» وجود دارد که مبنای تشکیل آن، اضطراب و نیاز نبوده بلکه اساس آن فطرت انسان است. نه فرد کاملاً در جامعه حل می شود و نه جامعه تابع محض و تسلیم فرد است بلکه جامعه جایگاه حرکت انسانی است و در حدود دامنه

اختیار مؤثر است نه در ذات اختیار.

در مباحث مربوط به انسان، به انسجام و هماهنگی فطری نظام تعلق، ادراک و رفتار اشاره شد. جامعه نیز دارای نظامهای سه گانه سیاست، فرهنگ و اقتصاد است که حول یک محور «طلب شامل جامعه» شکل گرفته اند. با توجه به جهت دار بودن حرکت جامعه، آنرا دارای رشد یا رکود دانسته و از گسترش منسجم و موزون سه نظام سیاست، فرهنگ و اقتصاد حول تقوی، (طلب شامل جامعه) تحت عنوان «رشد» یاد شد. تقسیم بندی وظایف ولی و نظام ولایتی برای تحقق رشد جامعه را می توان در سه حوزه تعیین سیاست، تنظیم امور و اجرای عملیات ملاحظه نمود. در «حوزه تعیین سیاست» تعلقات و گرایشات تحت عنوان سیاستهای اصلی جامعه تعیین می شود و در «حوزه تنظیم امور» برنامه ریزیهای لازم برای به اجرا درآوردن سیاستهای تعیین شده صورت می گیرد و در «حوزه اجرای عملیات» با به کارگیری کلیه مقدمات، فعالیتهایی انجام می شود تا برنامه هائی که براساس سیاستها تنظیم شده در عینیت متجلی شده و نتایج مناسب و مورد نظر حاصل شود.

از آنجا که «ولایت» بر نظامات سه گانه جامعه اعم از سیاست، فرهنگ و اقتصاد و کلیه شئون آن حاکمیت دارد و هیچ امری از قلمرو ولایت بیرون نیست و رشد جامعه با اعمال ولایت اعم از تعیین، تنظیم و اجرا در نظامات سه گانه جامعه، حاصل می شود، لذا بحث و ارتباط «وظائف ولایت» با «نظامات جامعه» را در کلی ترین سطح می توان در جدول (ج) ملاحظه نمود.

نظامات جامعه	سیاست	فرهنگ	اقتصاد
وظایف ولایت	۱ و ۱	۱ و ۲	۱ و ۳
تعیین سیاست	۲ و ۱	۲ و ۲	۲ و ۳
تنظیم امور	۳ و ۱	۳ و ۲	۳ و ۳
اجرای عملیات			

جدول (ج): بحث وظایف ولایت با نظامات جامعه.